

The election functions and the means of their realization according to Islamic governance

Saeed Mansoorian¹, Ali Rabiezadeh²

Abstract. In this article, the functions of elections and the means of realizing them based on good governance that is inferred based on Islam will be discussed. The purpose of this discussion is to point out the functions of an important issue such as elections with a systematic view and method. Accordingly, the main question of this text can be expressed as follows: "What are the functions of elections based on Islamic rule and how is it realized in the light of this type of rule?" As a preliminary answer to this question, it can be said that things such as the realization of religious democracy and demonstrating the greatness and authority of the political system are among the most important functions of elections in the light of Islamic rule. Regular conduct of elections and the creation of minimum restrictions on participation in elections are also among the important strategies and tools in the realization of election functions. The main point is that all these cases are examined in the light of Islamic rule and the theoretical framework of functionalism.

Keywords: Islamic governance, Political participation, Election, Functionalism.

کارکردهای انتخابات و لوازم تحقق آن‌ها در پرتو حکمرانی اسلامی

سعید منصوریان^۱، علی ربیع‌زاده^۲

چکیده. در این نوشتار به کارکردهای انتخابات و لوازم تحقق آن‌ها بر اساس حکمرانی مطلوبی که مبتنی بر اسلام استنباط می‌شود پرداخته خواهد شد. هدف از این بحث نیز این است که با نگاه و روشی نظام‌وار و سیستمی به کارکردهای موضوع مهمی همچون انتخابات اشاره گردد. بر همین اساس نیز سؤال اصلی این متن را می‌توان اینگونه بیان نمود: «کارکردهای انتخابات مبتنی بر حکمرانی اسلامی چیست و در پرتو این نوع حکمرانی چگونه تحقق می‌یابد؟» به عنوان پاسخی اولیه به این سؤال می‌توان اینگونه گفت که مواردی از قبیل تحقق مردم‌سالاری دینی و نمایش عظمت و اقتدار نظام سیاسی از جمله مهم‌ترین کارکردهای انتخابات در پرتو حکمرانی اسلامی است. برگزاری ضابطه‌مند انتخابات و ایجاد محدودیت‌های حداقلی برای مشارکت

¹. Master student of Islamic Education and Political Science of Imam Sadegh University, email: saeedmansourian75@gmail.com, phone: 09153348675, responsible author

². PhD Student in Public Law of Imam Sadegh University, email: ali.rabiezade@gmail.com, phone: 09151710154

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، رایانامه: saeedmansourian75@gmail.com ، تلفن تماس:

۰۹۱۵۳۳۴۸۶۷۵، نویسنده مسئول

^۴ دانشجوی دکترای حقوق عمومی دانشگاه امام صادق (ع)، رایانامه: ali.rabiezade@gmail.com ، تلفن تماس: ۰۹۱۵۱۷۱۰۱۵۴

در انتخابات نیز از جمله راهکارها و لوازم مهم در تحقق کارکردهای انتخابات محسوب می‌شود. نکته اساسی این است که تمامی این موارد در پرتو حکمرانی اسلامی و چارچوب تئوریک کارکردگرایی بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی اسلامی، مشارکت سیاسی، انتخابات، کارکردگرایی

۱- مقدمه

موضوع حکمرانی اسلامی طی دهه اخیر مورد توجه جدی صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی قرار گرفته است. سابقه موضوع حکمرانی در غرب نیز به دهه‌های اخیر بازمی‌گردد و نظریات و دیدگاه‌های گوناگونی پیرامون آن بیان گردیده است. این نظریات و دیدگاه‌ها تنها توسط صاحب‌نظران یک حوزه رشته خاص مطرح نگردیده و پژوهشگران و اساتید حوزه‌های مختلف علمی در غرب به ارائه مباحثی مرتبط با حکمرانی پرداخته‌اند.

موضوع حکمرانی به دلایل مختلف اهمیت ویژه‌ای دارد و امروزه یکی از موضوعات اولویت‌دار در کشور است. از جمله این دلایل عملیاتی و کاربردی بودن موضوع حکمرانی است که بجای تأکید بر نهادهایی خاص بر فرایند اداره امور و مؤلفه‌های مؤثر بر آن تأکید دارد. از دیگر دلایلی که می‌توان برای اهمیت این موضوع برشمرد ماهیت میان‌رشته‌ای آن است. این موضوع با رشته‌های مختلفی نظیر علوم سیاسی، اقتصاد، مدیریت و حقوق پیوند دارد و مانند برخی موضوعات تنها در یک رشته قابل تعریف نیست. همین امر توجه طیف وسیعی از پژوهشگران و متخصصان این رشته‌ها را نسبت به این موضوع به دنبال داشته است. از دیگر دلایل اهمیت این موضوع اولویت یافتن آن در کشورهای مختلف است؛ بدین معنا که امروزه در کشورهای مختلف دنیا مسائلی اولویت یافته است که حل بخش عمده‌ای از آن‌ها با حکمرانی پیوند خورده است و لازم است فرایندهایی کلان جهت حل آن‌ها ارائه گردد. بر همین مبنا نیز در این نوشتار به موضوع حکمرانی پرداخته شده است.

باید توجه کرد که نوشتار حاضر اگرچه به موضوع حکمرانی می‌پردازد؛ اما به ارائه تعریف و مدل‌های متداول آن نپرداخته و با ارائه تعریفی مختصر به نوع خاصی از آن یعنی حکمرانی اسلامی با مؤلفه‌های اختصاصی خود می‌پردازد. به دلیل گستردگی این موضوع و اهمیت موضوع انتخابات در حکمرانی اسلامی، انتخابات و کارکردهای آن در پرتو این نوع حکمرانی بررسی می‌شود. علت بررسی انتخابات در این متن

جایگاه آن در تحقق مؤلفه‌های مختلف حکمرانی اسلامی مخصوصاً مؤلفه مردم‌سالاری دینی است. از آنجا که در حکمرانی اسلامی بر فرایندهای تحقق اداره مطلوب یک کشور تأکید می‌شود، انتخابات نیز به عنوان یکی از فرایندهای اساسی باید در پرتو حکمرانی مورد توجه قرار گیرد. چارچوبی که در این متن به وسیله آن انتخابات در پرتو حکمرانی تحلیل می‌شود چارچوب کارکردگرایی است؛ بدین معنا که انتخابات به عنوان جزئی از سیستم حکمرانی اسلامی و کارکردهای آن به عنوان آثار و پیامدهایی که در ثبات این سیستم نقش‌آفرینی می‌کنند بررسی می‌شوند.

بر همین اساس نیز سؤال اصلی این نوشتار عبارت است از: «کارکردهای انتخابات مبتنی بر حکمرانی اسلامی چیست و در پرتو این نوع حکمرانی چگونه تحقق می‌یابد؟» به عنوان پاسخی اولیه به این سؤال می‌توان اینگونه گفت که تحقق مردم‌سالاری دینی، پاسخگویی انتخاب‌شوندگان، نمایش عظمت و اقتدار نظام سیاسی و محوریت یافتن رضایت مردم در تصمیمات از جمله مهم‌ترین کارکردهای انتخابات در پرتو حکمرانی اسلامی است. برگزاری ضابطه‌مند انتخابات، ایجاد محدودیت‌های حداقلی برای مشارکت در انتخابات و پیش‌بینی سازوکار پاسخگویی برای دوران مسئولیت نیز از جمله راهکارها و لوازم مهم در تحقق کارکردهای انتخابات محسوب می‌شود.

برای پاسخ به این سؤال به منابع متعددی مراجعه شده است. بخشی از این منابع اسلامی بوده که در آنها به حکمرانی اسلامی و جایگاه مردم در این نوع حکمرانی اشاره شده است. بخش دیگری از منابع نیز منابع تخصصی پیرامون موضوعاتی نظیر حکمرانی، انتخابات و مشارکت سیاسی بوده که در آنها این مفاهیم و موضوعات مورد توجه و بررسی قرار گرفته‌اند. در بررسی منابع اسلامی اندیشمندی خاص به عنوان محور قرار نگرفته و سعی شده دیدگاه‌های اندیشمندان مختلف مورد توجه قرار گیرد.

در پاسخ به این سؤال ابتدا به توضیح مبانی نظری و پیشینه تجربی پرداخته شده است. به همین منظور نیز مفهوم مشارکت سیاسی، انتخابات و حکمرانی تعریف شده‌اند و سپس چارچوب نظری کارکردگرایی مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه به معنای حکمرانی اسلامی اشاره شده است و مؤلفه‌های اساسی آن مورد توجه قرار گرفته‌اند. در میان مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی حاکمیت الهی، مردم‌سالاری و هنجارمندی به عنوان سه مؤلفه مهم مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

پس از بررسی معنا و مؤلفه‌ها به جایگاه و کارکردهای انتخابات به عنوان موضوع محوری این نوشتار اشاره شده است. کارکردهای مختلفی را می‌توان برای انتخابات برشمرد؛ اما چهار کارکرد اساسی تحقق عینی مردم‌سالاری دینی، پاسخگویی نسبی انتخاب‌شوندگان، نمایش اقتدار و عظمت نظام سیاسی و محوریت یافتن خواسته مردم در تصمیمات به عنوان کارکردهای اساسی انتخابات بیان شده‌اند. در پایان نیز راهکارهای سه‌گانه برگزاری دقیق و ضابطه‌مند انتخابات، ایجاد محدودیت‌های حداقلی برای مشارکت در انتخابات و پیش‌بینی سازوکار واقعی پاسخگویی انتخاب‌شوندگان در دوران مسئولیت بررسی خواهند شد.

باید توجه کرد که در بررسی هر یک از راهکارها، لوازم و اقتضائات تحقق آن راهکار نیز بررسی شده است. لوازمی که برای برگزاری دقیق و ضابطه‌مند انتخابات بیان شده است انتخاب درست افرادی است که در فرایند انتخابات نقش‌آفرینی می‌کنند. اقتضاء دیگری که برای این راهکار بیان شده است اصلاح فرهنگ نظم‌گریز در میان عامه مردم و مسئولان است که البته نسبت به لازمه نخست بلندمدت‌تر به حساب می‌آید. نهادینه کردن نگاه حداکثری به حضور مردم در میان متولیان امر انتخابات به عنوان لازمه تحقق راهکار دوم و شفافیت و ایجاد مکانیسم قضائی به عنوان لوازم تحقق راهکار سوم نیز در بخش راهکارها مورد توجه قرار گرفته‌اند.

۲- مبانی نظری و پیشینه تجربی

در ابتدا و قبل از ورود به بحث اصلی لازم است مبانی نظری و پیشینه تجربی موضوع روشن گردد و محتوای اصلی بحث مبتنی بر این مفاهیم و چارچوب نظری پایه‌ریزی شود. به همین منظور سه مفهوم کلیدی مشارکت سیاسی، انتخابات و حکمرانی مورد توجه قرار می‌گیرند و در پایان نیز کارکردگرایی و مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی بررسی می‌شود. در این بررسی و توضیح سعی شده است ادبیات تخصصی و علمی پیرامون هر یک از موارد زیر بیان گردد و تمامی مطالب در چارچوب این ادبیات تحلیل شود. هم‌چنین پس از آن نیز به مقالاتی که درباره این موضوع نگاشته شده‌اند نیز ذیل عنوان پیشینه تجربی اشاره خواهد شد.

۲.۱- مبانی نظری

۲.۱.۱- مشارکت سیاسی

امروزه نقش‌آفرینی افراد و گروه‌های مختلف در نظام سیاسی از جمله مؤلفه‌هایی است که می‌توان تحت عنوان مشارکت سیاسی در جوامع مختلف بررسی نمود. در این میان اگرچه تعاریف مختلفی پیرامون این مفهوم بیان شده است؛ اما هسته مرکزی همه آن‌ها به میزان و کیفیت اثرگذاری بر سیاست یک کشور از سوی مردم بازمی‌گردد. باید توجه کرد که در میان تعاریف موجود برخی تعاریف به گونه‌ای شایسته تمامی مصادیق مشارکت سیاسی را دربر نمی‌گیرد.

به عنوان نمونه اگر مشارکت سیاسی به صورت یک سلسله اقدامات داوطلبانه تلقی شود که از طریق آن، افراد در صدد تأثیرگذاری بر سیاست عمومی باشند، سایر اشکال مشارکت که بر حسب زور و اجبار است استثنا می‌شود (قوام، ۱۳۸۹: ۱۳۹). بر همین اساس نیز باید به ارائه تعریفی مبادرت ورزید که به صورت جامع بتواند به بهترین نحو تبیین‌کننده مصادیق مشارکت سیاسی باشد. در این میان می‌توان تعریف زیر را به عنوان تعریفی نسبتاً جامع از مشارکت سیاسی که مصادیق بیشتری را دربرمی‌گیرد ارائه نمود:

مشارکت سیاسی عبارت از رفتار و اقدامات شهروندان برای تأثیرگذاری بر اتخاذ تصمیماتی است که توسط نمایندگان و مقامات دولتی صورت می‌گیرد و می‌تواند به صورت اقدام و عملی در جهت اعتراض به نتیجه اتخاذ سیاست‌ها و تغییر در نگرش تصمیم‌گیرندگان نسبت به موضوعات مورد نظر باشد (Parry,)

16: 1992, Moyser and Day). این تعریف تمامی اشکال مشارکت سیاسی اعم از انتخابات و اعتراض سیاسی را دربرمی‌گیرد و در آن مصادیق مشارکت سیاسی به نمونه‌هایی نظیر انتخابات محدود نمی‌شود.

۲.۱.۲- انتخابات

انتخابات را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین مصادیق معاصر در زمینه مشارکت سیاسی به حساب آورد که در نظام‌های دموکراتیک جایگاهی ویژه دارد. در تعریفی ساده انتخابات^۱ راهی برای رسیدن به مقام سیاسی بر اساس گزینش مجموعه‌ای معین از مردم یعنی انتخاب‌کنندگان یا رأی‌دهندگان است (هیوود، ۱۳۸۹: ۳۲۸). البته باید توجه نمود که در این زمینه کشورهای مختلف نظام‌ها و گونه‌های متفاوتی از انتخابات را تجربه می‌کنند و نمی‌توان تمامی انتخابات‌های موجود را در یک نوع منحصر نمود.

نکته دیگری که لازم است در این بخش به آن اشاره شود این است که گرچه انتخابات یکی از مهم‌ترین و شاید در بعضی دیدگاه‌ها مهم‌ترین مصادیق مشارکت سیاسی محسوب شود؛ اما تنها جنبه‌ای ایزاری داشته و نمی‌توان مصادیق مشارکت سیاسی را به آن محدود نمود. به همین دلیل نیز پیرامون رابطه آن با مشارکت سیاسی می‌توان اینگونه گفت که مشارکت سیاسی به عنوان یک موضوع مهم در زمان‌ها و مکان‌های مختلف قابل طرح است و نمی‌توان آن را از نظام سیاسی حذف کرد؛ اما انتخابات به عنوان مکانیسمی جهت مشارکت سیاسی می‌تواند حذف شود یا تغییر یابد.

۲.۱.۳- حکمرانی

یکی از موضوعاتی که در چند دهه اخیر رایج شده و در نظریه‌پردازی‌ها مورد توجه قرار گرفته است موضوع حکمرانی است. در این موضوع بیش از آن که بر نهادی خاص تمرکز شود، بر فرایندها و روندهای اداره امور تأکید می‌شود. به همین دلیل نیز با رشته‌های مختلفی نظیر علوم سیاسی، مدیریت و حقوق مرتبط است. باید توجه کرد که واژه حکمرانی^۲ از دهه ۱۹۸۰ فراگیر شد (بور، ۱۳۹۷: ۹) و دو عامل در تسریع روند گسترش مفهوم حکمرانی تأثیر بسزایی گذاشت:

۱. تغییر نظریه‌های اجتماعی و در پی آن تغییر نگرش مردم به جهان

۲. تغییرات گسترده در جهان (بور، ۱۳۹۷: ۹ و ۱۰).

1. Election

2. Governance

این نظریه‌ها و تجارب جدید توجه را از نهاد مرکزی حکومت به فعالیت‌های حکمرانی معطوف کرده است و امروز عمده فعالیت‌های حکمرانی شامل فعالیت نهادهای خصوصی و داوطلب و همچنین نهادهای عمومی است (بور، ۱۳۹۷: ۱۰). در نتیجه حکمرانی به تمام فرایندهای اداره اموری اطلاق می‌شود که از سوی دولت، بازار و شبکه یا از طریق خانواده، قبیله، سازمان‌های رسمی و غیررسمی، قوانین، هنجارها، قدرت یا زبان اعمال می‌شوند (بور، ۱۳۹۷: ۱۰).

بر همین اساس نیز می‌توان اینگونه گفت که در حکمرانی با کنارگذاشتن رویکرد نهادگرایی در زمینه توجه به حکومت، رویکردی مورد توجه قرار می‌گیرد که به فرایندها و اداره امور معطوف است. به همین دلیل نیز نهادهای متعددی در حکمرانی مورد توجه قرار می‌گیرند که یکی از آنها حکومت است؛ اما حکومت تنها نهاد در این زمینه محسوب نمی‌شود. بحث پیرامون حکمرانی بسیار گسترده است؛ اما به دلیل ضرورت آشنایی اجمالی با این موضوع تنها به بیان معنا و مفهوم آن پرداخته شده و از توضیح تفصیلی پیرامون موضوع خودداری می‌گردد.^۱

۲.۱.۴- کارکردگرایی

کارکردگرایی^۲ به عنوان یکی از رویکردهای اصلی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این رویکرد جامعه نظام پیچیده‌ای به حساب می‌آید که بخش‌های مختلف آن با هم در جهت ایجاد ثبات عمل می‌کنند و جامعه‌شناسی باید روابطشان را مطالعه کند. برای مثال اعتقادات مذهبی و آداب و رسوم جامعه را می‌توان با نشان دادن این که به دیگر نهادهای جامعه مرتبط است تحلیل کرد (گیدنز، ۱۳۹۵: ۴۱).

بر همین اساس نیز در کارکردگرایی اصل بر ثبات جامعه بوده و تضاد و کشمکش امری خلاف این رویکرد محسوب می‌شود. به همین دلیل است که این رویکرد در برابر رویکرد تضادگرایی قرار می‌گیرد. اگوست کنت و امیل دورکیم را می‌توان از جمله جامعه‌شناسانی دانست که کارکردگرایی با نام آنها عجین شده است. آنها در بیشتر موارد از تمثیل ارگانیک برای مقایسه عمل جامعه با عمل ارگانیسم زنده سود می‌جویند. به زعم آنان

^۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به بور، مارک، حکمرانی؛ مقدمه‌ای بسیار کوتاه.

^۲. Functionalism

بخش‌های جامعه درست مانند عمل اجزای گوناگون بدن انسان با هم در جهت نفع کل جامعه عمل می‌کنند (گیدنز، ۱۳۹۵: ۴۱ و ۴۲).

مفهوم مهمی که لازم است برای روشن‌شدن رویکرد کارکردگرایی بررسی شود، «کارکرد»^۱ است. مفهوم کارکرد به عنوان محوری‌ترین مفهوم در این رویکرد به معنای اثر یا پیامدی است که یک پدیده در ثبات، بقا و انسجام نظام اجتماعی دارد (ربیع‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۷۴). به همین جهت نیز بررسی تمامی عناصر و اجزای نظام اجتماعی در چارچوب این رویکرد به معنای مطالعه آثار و پیامدهایی است که آن عناصر و اجزا در ثبات و بقای نظام اجتماعی بر جای می‌گذارند.

۲.۱.۵- معنا، مفهوم و مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی

حکمرانی اسلامی از جمله مفاهیمی است که به سبک و فرایند سرپرستی مردم مربوط می‌شود. به همین دلیل نیز می‌توان آن را به صورت کلی و اجمالی سرپرستی امور مردم بر طبق شریعت اسلامی معنا کرد. البته باید توجه کرد که این نوع حکمرانی شرایطی دارد که برای تحقق آن لازم و ضروری است. در حقیقت برای مشروع‌بودن این نوع سرپرستی بایسته‌هایی مورد نیاز است که می‌توان آن‌ها را در دو مورد زیر خلاصه کرد:

۱. اجرای بالفعل سرپرستی امور مردم و پیاده ساختن احکام اسلامی سرپرستی بر آن؛
۲. این‌که خود سرپرستی با ساختار حکومت و شکل سرپرستی در اسلام هماهنگ باشد (صدر، ۱۳۹۳ (ب): ۲۸۶).

پس برای مشروعیت یافتن سرپرستی، صرف این‌که حکومت قوانین و دستورات اسلامی مربوط به امور امت را از قبیل جهاد و اقتصاد و روابط سیاسی اجرا کند، کافی نیست، بلکه باید قوانین و دستورات اسلامی در خود حکمرانی و سرپرستی امت نیز رعایت شود؛ زیرا سرپرستی امت، خود از امور و شئون امت است و بدین جهت باید به همان شکلی انجام شود که اسلام مشخص نموده است و به همین دلیل تخطی از آن جایز نیست (صدر، ۱۳۹۳ (ب): ۲۸۶).

این نوع حکمرانی مؤلفه‌ها و محورهایی دارد که فقدان هر یک از آن‌ها اسلامی‌بودن حکمرانی را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. این مؤلفه‌ها آثار و پیامدهایی دارند که در مقایسه با مؤلفه‌های انواع دیگر

¹. Function

حکمرانی قابل بررسی هستند. در این بخش به عام‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه‌ها اشاره خواهد شد تا در پرتو آن‌ها موضوع انتخابات مورد بررسی دقیق‌تری قرار گیرد. حاکمیت الهی، مردم‌سالاری و هنجارمندی مواردی هستند که در ادامه بررسی خواهند شد.

۲.۱.۵.۱- حاکمیت الهی

در میان انواع حاکمیت‌هایی که در جهان وجود دارد می‌توان به حاکمیت شخص پادشاه، حاکمیت مردم و حاکمیت قانون اشاره کرد. البته ممکن است در حکومتی با حاکمیت شخص پادشاه قانون نیز وجود داشته باشد؛ اما حاکمیت قانون در چنین حکومتی جایگاه ندارد. حکمرانی اسلامی را می‌توان نوعی از حکمرانی دانست که در آن حاکمیت الهی جریان دارد و دولتمردان، قوانین و عامه مردم در چارچوب این حاکمیت معنا می‌یابند.

این نکته در دیدگاه اندیشمندان و فقهای متعددی مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال امام خمینی معتقد است در حکومت اسلامی حاکمیت منحصر به خداست و قانون، فرمان و حکم خداست. قانون اسلام یا فرمان خدا بر همه افراد و بر دولت اسلامی حکومت تام دارد. همه افراد از رسول اکرم گرفته تا خلفای آن حضرت و سایر افراد تا ابد تابع قانون هستند (خمینی، ۱۳۷۳: ۴۴ و ۴۵). هم‌چنین علت این امر نیز در آثار اندیشمندان شیعه مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان نمونه آیت‌الله جوادی آملی علت این امر را اینگونه بیان می‌کند که انسان و جهان در مقام تکوین و در آفرینش و هستی خود، نسبت به خداوند عبودیت دارند و همین، دلیل آن است که انسان در قانون‌گذاری و تشریع نیز باید عبد خداوند باشد و تنها از قانون کامل و برتر او پیروی کند (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۵۳).

نکته اساسی در این موضوع آن است که مقصود از قانون در این عبارات معنای متداول آن در نظام‌های حقوقی موجود نیست، بلکه معنای عام‌تری را دربرمی‌گیرد. به عبارت دیگر قانون در نظام‌های حقوقی موجود تنها به مواردی اطلاق می‌شود که طی فرایندی خاص شکل می‌گیرد و گونه‌ای از هنجارهای رسمی را نمایندگی می‌کند. این در حالی است که معنای قانون در این عبارات تمامی احکام، فرامین و دستوراتی را دربرمی‌گیرد که از سوی خداوند بیان شده است و در تمامی ساحات زندگی از جمله حکمرانی نیز باید جریان یابد. بر همین اساس نیز اصالت داشته و مانند قانون‌گذاری‌های موجود جنبه ابزاری ندارد و باید در تمامی ساختارها و ابزارها مورد توجه قرار گیرد.

۲.۱.۵.۲- مردم سالاری

از دیگر مؤلفه‌های مهم در حکمرانی اسلامی مردم سالاری است که در تمامی محورهای حکمرانی اسلامی خود را نشان می‌دهد. مقصود از مردم سالاری به عنوان یک مؤلفه مهم محوریّت و نقش‌آفرینی مردم در عرصه‌های مختلف حکمرانی اعم از حکمرانی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است که در سطوح مختلف برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. در نظریات موجود پیرامون حکمرانی نیز مشارکت مردم به عنوان مؤلفه‌ای مهم مورد توجه قرار می‌گیرد؛ اما باید توجه کرد که مردم سالاری مصادیق بیشتری را نسبت به مشارکت مردم دربرمی‌گیرد. به نمونه‌هایی از این مصادیق در ادامه اشاره خواهد شد:

۱. یکی از شرایط تحقق حکومت اسلامی و عینیت یافتن آن حضور حداکثری مردمی است که معتقد به حکومت اسلامی هستند. به همین سبب مردم در تحقق حکومت اسلامی نقش داشته و از منظر اسلامی نمی‌توان بدون توجه به این مؤلفه حکومت اسلامی را محقق کرد.
۲. مردم در حکومت اسلامی در سطوح متعددی به نقش‌آفرینی می‌پردازند. این سطوح را می‌توان مواردی نظیر انتخاب برخی کارگزاران، ارشاد و مطالبه‌گری، تذکر و دعوت به خیر و نظارت بر تحقق احکام اسلامی دانست. طبیعی است هنگامی که حکومتی بر مبنایی غیرالهی شکل گرفته است مردم می‌توانند با رهبری شخصی واجد صلاحیت و در صورت وجود شرایط مناسب آن حکومت را به حکومتی الهی تغییر دهند.
۳. مردم در نظام اسلامی بر خلاف نظام دموکراتیک در جایگاه خلافت الهی و مرکز مسئولیت در مقابل خداوند هستند. این در حالی است که در نظام دموکراتیک مردم منشأ سلطه بوده و قوانین بر اساس خواسته مردم تنظیم می‌شود (صدر، ۱۳۹۴ الف: ۳۸).
۴. یک معنای دیگر برای مردمی بودن حکومت اسلامی این است که حکومت اسلامی در خدمت مردم است. آنچه برای حاکم مطرح است، منافع عامه مردم بدون تبعیض میان آنان است.^۱

^۱. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه تهران مورخ ۱۳۶۲/۰۵/۱۴

۵. مؤلفه دیگری که می‌توان پیرامون مردمی بودن حکومت اسلامی مطرح نمود این است که مسئولان حکومت از مردم و نزدیک به مردم هستند. به همین سبب نیز زندگی آنان معمولی بوده و در تعامل با مردم نیز بدون تکلف رفتار می‌کنند.
۶. از دیگر مؤلفه‌های مردمی بودن حکومت اهمیتی است که حکومت برای عقائد، حیثیت، هویت، شخصیت و کرامت مردم قائل است.^۱ این اهمیت به معنای سلب آزادی نیست، بلکه به معنای اهمیتی است که حکومت به برنامه‌ریزی در این امور می‌دهد و آن‌ها را رها نمی‌کند. به همین سبب نیز حکومت اسلامی وظایف خود را تنها در امور امنیتی و اقتصادی خلاصه نمی‌کند و برای امور فرهنگی نیز ارزش بسیاری قائل است.
۷. از دیگر نمودهایی که امروزه می‌تواند نشان‌دهنده مردم‌سالاری باشد وجود احزابی است که در فضایی سالم به نقش‌آفرینی بپردازند. احزاب سیاسی سازمان‌های باثباتی هستند که همراه با توسعه حق رأی همگانی شکل می‌گیرند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۱۹).

۲.۱.۵.۳- هنجارمندی

از جمله مؤلفه‌های مهم در حکمرانی اسلامی که خود را در ساختارها و رویه‌های حکومتی نشان می‌دهد، هنجارمندی این نوع حکمرانی است. مقصود از هنجارمندی قراردادن این نوع حکمرانی در چارچوبی مشخص و مطابق با قاعده‌ای معین است و همین امر این نوع حکمرانی را از انواع حکمرانی دیکتاتوری و استبدادی متمایز می‌کند. به عنوان نمونه می‌توان به عبارتی از شهید صدر در این رابطه اشاره کرد. بر مبنای دیدگاه شهید صدر حکومت دینی به بهترین وجه مقید به قانون است؛ زیرا در این حکومت، شریعت به طور مساوی بر حاکم و مردم چیره است (صدر، ۱۳۹۳ (الف): ۳۸).

به همین جهت نیز این هنجارمندی خود را در تمامی ساحات حکمرانی نشان می‌دهد. از جمله این ساحات ساختار و رویه‌های حکمرانی است که بجای شخصی شدن نهادمند می‌شوند و همین امر استمرار ساختارها را فارغ از افراد تضمین می‌کند. از دیگر آثار هنجارمندی پیش‌بینی‌پذیر شدن رفتارها و عملکرد کنشگران در چارچوبی مشخص است؛ چرا که این چارچوب مشخص و قاعده معین بر تمامی ارکان حکمرانی سایه افکنده و باعث می‌شود در شرایط مختلف قواعد عملکردی که برای آن شرایط در نظر گرفته شده مشخص باشد و

^۱. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر مورخ ۱۳۸۸/۰۷/۱۵

پیش‌بینی شود. این مؤلفه کاملاً در تعارض با استبداد به عنوان موضوعی که اندیشمندان و فقهای شیعه مانند نائینی به مقابله با آن برخاستند و سعی کردند با نگارش آثاری استبداد را از چهره دین پاک نمایند قرار می‌گیرد (قادری، ۱۳۷۸: ۲۳۷).

نکته اساسی که باید مورد توجه قرار گیرد ساختارها و رویه‌هایی است که این هنجارمندی را نمایندگی می‌کند و می‌تواند در شرایط زمانی و مکانی مختلف متفاوت باشد. به عنوان نمونه در این زمینه می‌توان به تفکیک قوا اشاره نمود. به عنوان مثال در مدل کلاسیک تفکیک قوا سه کارکرد متمایز (مقننه، اجرایی و قضائی) برای حکومت وجود دارد که لازم است به وسیله سه ساختار جداگانه به نام‌های مجلس قانون‌گذاری، قوه مجریه یا حکومت و قوه قضائیه یا دادگاه‌ها از یکدیگر جدا شوند (Bellamy, 2005: 277). در مدل‌های جدیدتر تفکیک قوا، قوای مختلف حکومت بر اساس کارکردی که ایفا می‌کنند از یکدیگر جدا می‌شوند. نمونه‌ای از این مدل را می‌توان در تفکیک قوه اداره از سیاست دید (Wilson, 1887: 210). سیاست به سیاست‌ها و کلیت دولت مربوط می‌شود و اداره اجرای این سیاست‌ها را عهده‌دار می‌گردد (Goodnow, 1900: 18).

۲.۲- پیشینه تجربی

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده مقاله‌ای فارسی با همین عنوان تا کنون نگاشته نشده است و مقالاتی که در این زمینه وجود دارد دارای مشابهت‌هایی با موضوع مقاله حاضر است. برخی از این مقالات با رویکردی سیاسی و برخی دیگر با رویکردی حقوقی نگاشته شده‌اند. به عنوان مثال به دو نمونه از مقالاتی که مشابهت موضوعی زیادی با عنوان نوشته حاضر دارند اشاره می‌شود. یکی از این مقالات با عنوان تأملی بر حق رأی در پرتو حقوق اسلامی و دیگری با عنوان نظام انتخاباتی در نظام مردم‌سالاری دینی و لیبرال دموکراسی نگاشته شده است.

هم‌چنین در میان مقالات انگلیسی نیز مقاله‌ای با همین عنوان یافت نمی‌شود و مواردی که بدست آمده است، مشابهت‌های زیادی با عنوان مقاله حاضر دارد. به عنوان نمونه می‌توان به مقاله نقش اخلاق در انتخابات حکومت اسلامی^۱ اشاره کرد که گرچه عنوان آن با مقاله حاضر متفاوت است؛ اما از نظر موضوعی به آن نزدیک بوده و می‌توان آن را به عنوان موردی در پیشینه تجربی بیان نمود.

¹ . The Role of Ethics in Islamic Government Elections

۳- روش پژوهش

روشی که در این مقاله برای پژوهش پیرامون کارکردهای انتخابات و لوازم تحقق آنها در پرتو حکمرانی اسلامی مورد توجه قرار گرفته است روش تحلیل مضمون است. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun and Clarke, 2006). تحلیل مضمون صرفاً روش کیفی خاصی نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۳). به طور کلی تحلیل مضمون روشی است برای

الف- دیدن متن؛

ب- برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط؛

ج- تحلیل اطلاعات کیفی؛

د- مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ (Boyatzis, 1998: 4).

بر همین اساس نیز در این پژوهش ابتدا از منابع و متون موجود جهت تعریف مفاهیم و تبیین مبانی استفاده شده است. در گام بعدی نیز مبتنی بر این مضامین و متون کارکردهای انتخابات و لوازم تحقق آنها مورد توجه قرار گرفته است. بر همین اساس نیز این مقاله صرفاً حاوی اطلاعاتی پراکنده و بدون ارتباط با یکدیگر نیست، بلکه چارچوبی تحلیلی نیز دارد که مبتنی بر آن اطلاعات پراکنده منسجم شده و به صورت کاربردی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۴- یافته‌های پژوهش

۴.۱- جایگاه و کارکردها

انتخابات را می‌توان از مهم‌ترین نمادهای مشارکت سیاسی و مردم‌سالاری دینی در حکمرانی اسلامی محسوب نمود. با توجه به تعریفی که در ابتدا از این نوع کنش سیاسی ارائه گردید، در حکمرانی اسلامی شخصیت‌هایی به نقش‌آفرینی و کنشگری می‌پردازند و گزینش بخشی از این شخصیت‌ها بر عهده مردم است. البته باید توجه کرد که در تمامی مراحل انتخابات لازم است شرایط و مؤلفه‌های حکمرانی مورد توجه جدی قرار گیرد.

بر همین اساس نیز انتخابات جایگاهی ویژه در حکمرانی اسلامی دارد؛ زیرا بستر اصلی تحقق صحیح حکمرانی اسلامی را که همانا افراد و شخصیت‌ها هستند محقق می‌کند. به همین جهت نیز کارکردهای مهم و اثرگذاری را در حکمرانی اسلامی برجای می‌گذارد. مقصود از کارکردهای انتخابات بر اساس تعریفی از کارکرد که در بخش کارکردگرایی به عنوان چارچوب نظری مختار ارائه شد، اثر و پیامدی است که انتخابات در ثبات و بقای حکمرانی اسلامی به عنوان یک نظام ایفا می‌کند و در نسبت با سایر اجزای حکمرانی اسلامی انسجامی را میان این اجزا با انتخابات تحقق می‌بخشد. کارکردهای مهمی را می‌توان برای انتخابات در حکمرانی اسلامی برشمرد که بخشی از آن‌ها عبارتند از:

۴.۱.۱- تحقق عینی مردم‌سالاری دینی

همانطور که در بخش قبلی به مردم‌سالاری دینی به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم حکمرانی اسلامی اشاره شد، انتخابات را می‌توان به عنوان مصداقی مهم که این مؤلفه را عینیت می‌بخشد مطرح نمود. در واقع مردم‌سالاری دینی به عنوان مفهومی مهم نیاز به ابزارهایی جهت عینیت دارد و انتخابات را می‌توان در این پازل مطرح کرد. بر همین اساس نیز انتخابات را می‌توان دارای کارکردی مثبت در این جهت برشمرد؛ چرا که در حکمرانی اسلامی آن چیزی که اهمیت دارد، فرایندها و سازوکارهایی است که اثری واقعی در ساختار اجتماعی بر جای می‌گذارد و انتخابات می‌تواند به عنوان سازوکاری مهم چنین نقشی را ایفا نماید.

۴.۱.۲- پاسخگویی نسبی انتخاب‌شوندگان

نکته مهم دیگری که لازم است به آن اشاره شود، پاسخگویی کسانی است که به عنوان انتخاب‌شوندگان در منصب سیاسی قرار می‌گیرند. موضوع مهمی که در این جهت باید بیان کرد نسبی بودن این پاسخگویی است. مقصود از نسبی بودن پاسخگویی اشاره به شدت و ضعف میزان پاسخگویی است که در نظام‌های مختلف سیاسی و حقوقی مبتنی بر انتخابات به وجود می‌آید.

کارکردی که انتخابات در جهت پاسخگویی به وجود می‌آورد، ایجاد حداقلی از پاسخگویی است که البته باید با سایر سازوکارهای سیاسی و حقوقی در مدت زمان تصدی انتخاب‌شونده تقویت شود؛ اما همین میزان اندک نیز کارکردی است که انتخابات از خود بر جای می‌گذارد. این نوع پاسخگویی اگرچه ممکن است از نظر حقوقی تعبیه نشود؛ اما از نظر سیاسی و به صورت حداقلی باید مورد توجه انتخاب‌شونده قرار گیرد؛ چرا که در صورت عدم توجه به آن شانس انتخاب‌شونده و جریان‌ات همسو با وی برای انتخاب مجدد توسط مردم تحت الشعاع قرار خواهد گرفت.

بر همین اساس نیز می‌توان اینگونه گفت که در حکمرانی اسلامی انتخابات به عنوان ابزاری سیاسی در جهت گزینش مسئولان اصلی حکومتی عمل می‌کند و میزانی از پاسخگویی را به عنوان کارکرد خود به همراه دارد. به همین جهت نیز در این نوع حکمرانی رابطه‌ای یکسویه برقرار نمی‌شود تا تنها اعمال اقتدار از سوی حاکمان انجام پذیرد، بلکه رابطه‌ای دوسویه است که از یکسو حاکمان به اعمال اقتدار می‌پردازند و از سوی دیگر نیز مردم با استفاده از سازوکارهایی نظیر انتخابات قدرت سیاسی خود را در قالب مطالبه پاسخگویی از انتخاب‌شونده خود نمایان می‌سازند.

۴.۱.۳- نمایش قدرت، عظمت و اقتدار نظام سیاسی

از جمله کارکردهای مهم انتخابات در حکمرانی اسلامی نمایش اقتدار نظام سیاسی است که این امر به وسیله انتخابات حداکثری تحقق می‌یابد. حضور مردم در ادوار مختلف انتخابات و مشارکت در امر انتخاب نامزد مورد نظر برای تصدی مسئولیت نشان‌دهنده آگاهی مردم به حقوق و وظایف سیاسی است و پشتوانه‌ای را جهت نقش‌آفرینی فعال داخلی و خارجی برای انتخاب‌شونده فراهم می‌آورد. کمیت و کیفیت مشارکت در انتخابات تنها به صورت مقطعی کاربرد نداشته و می‌تواند حاکی از اقتدار درونی نظام سیاسی باشد.

این موضوع را می‌توان تحت عنوان منابع قدرت نیز مطرح نمود. سطح آگاهی سیاسی در میان مردم به عنوان یکی از منابع مهم قدرت ملی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هر اندازه که سطح آگاهی سیاسی در جامعه‌ای بالا باشد، دولت بهتر می‌تواند منابع را بسیج کند (عالم، ۱۳۷۳: ۹۴). در غیر اینصورت و در صورتی که مردم از لحاظ سیاسی بی‌تفاوت باشند، نه تنها بدست آوردن حمایت برای اعمال قدرت دشوار خواهد بود، بلکه دولت در سازماندهی و کنترل منابع لازم برای کسب قدرت نیز با دشواری‌هایی روبرو خواهد شد (Nnoli, 1990: 73-75).

بر همین اساس نیز می‌توان گفت انتخابات به عنوان مصداق عینی مشارکت سیاسی حکمرانی اسلامی را در مسیر تحقق حداکثری اهداف خود کمک می‌کند؛ چرا که حکمرانی برای پیشبرد اهداف نیازمند قدرت است و از جمله منابع مهم قدرت در یک نظام سیاسی آگاهی و حضور مردم است که انتخابات را می‌توان یکی از نمودهای مهم آن دانست. در غیر اینصورت و در صورتی که انتخابات وجود نداشته باشد یا انتخاباتی مطلوب برقرار نشود، حکومت و فرایند حکمرانی از پشتوانه‌ای مهم جهت دستیابی به اهداف خود بازخواهد ماند.

۴.۱.۴- محوریت یافتن رضایت و خواسته مردم در تصمیمات

محورهای متعددی را می‌توان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به حکمرانی مؤثر دانست که بسته به نوع حکمرانی افزایش یا کاهش می‌یابد. به عنوان نمونه در حکمرانی استبدادی محور اصلی خواسته حاکم است که تصمیم وی را می‌سازد. هم‌چنین در حکمرانی‌های الیگارشیکی خواسته‌های یک اقلیت محوریت اصلی تصمیمات را شکل می‌دهد. انواع دیگری از حکمرانی نیز به همین ترتیب محورهای دیگری را در تصمیم‌گیری مؤثر می‌دانند.

نکته مهمی که در حکمرانی اسلامی پیرامون انتخابات و به عنوان یکی از کارکردهای مهم انتخابات می‌توان برشمرد محوریت یافتن رضایت و خواسته مردم به عنوان مؤلفه‌ای مهم در کنار سایر مؤلفه‌ها است. زمانی که یک نظام سیاسی انتخابات را به عنوان سازوکاری جهت کسب قدرت سیاسی به رسمیت می‌شناسد، لازم است انتخاب‌شوندگان در تصمیمات خود رضایت افرادی را که در انتخابات شرکت کردند و به آن‌ها رأی دادند در نظر بگیرند. این امر از طریق تحقق خواسته‌هایی صورت می‌گیرد که رأی‌دهندگان بر اساس آن‌ها نامزد مورد نظر را انتخاب کرده‌اند.

باید توجه کرد که این مؤلفه تنها مؤلفه‌ای نیست که در تصمیم‌گیری‌ها باید مورد توجه قرار گیرد، بلکه محورهای دیگری نیز لازم است مد نظر قرار گیرند؛ اما به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در چارچوب شرایط و ضوابط تصمیم‌گیری لازم است مورد توجه قرار گرفته شود. به همین دلیل نیز انتخابات به عنوان راهکاری برای ابراز خواسته‌ها و انتظارات مردم مسیری است که لازم است مسئولان و متصدیان امر در آن مسیر گام بردارند و این خواسته‌ها را در تحقق صحیح حکمرانی اسلامی مورد توجه قرار دهند.

۴.۲- راهکارها، لوازم و اقتضائات تحقق صحیح کارکردها

جایگاه و کارکردهایی که برای انتخابات در پرتو حکمرانی اسلامی بیان شد نیازمند ارائه راهکارهایی است تا بصورت دقیق تحقق یابد. این راهکارها اگر با توجه به اقتضائات و شرایط موجود بیان شود می‌تواند تا حدود زیادی جایگاه و کارکردهای مطلوب انتخابات را محقق کند؛ اما زمانی که بدون توجه به اقتضائات و تنها به صورت انتزاعی بیان گردد در مسیر تحقق انتخابات مطلوب با چالش جدی مواجه می‌شود. به همین دلیل نیز در این بخش راهکارها ارائه و ذیل هر کدام از راهکارها اقتضائات و لوازم تحقق صحیح آن‌ها بررسی می‌شود.

۴.۲.۱- برگزاری دقیق و ضابطه‌مند انتخابات

اولین راهکار برای تحقق صحیح کارکردهای انتخابات به کیفیت برگزاری انتخابات بازمی‌گردد. هنگامی که انتخابات به صورت دقیق و با رعایت امانت برگزار می‌شود، اعتماد مردم به این سازوکار افزایش می‌یابد و حضور حداکثری محقق می‌شود. این حضور حداکثری تحقق عینی مردم‌سالاری دینی و نمایش قدرت و عظمت را به عنوان دو کارکرد اساسی انتخابات تحقق می‌بخشد. البته این راهکار بدون ارتباط با دو کارکرد دیگر نیست و در جهت تقویت آن دو کارکرد نیز عمل می‌کند.

مقصود از برگزاری دقیق و ضابطه‌مند ایجاد ساختاری دقیق و قانونی و چارچوبی مبتنی بر قاعده و قانون برای انتخابات است. این راهکار در چارچوب مؤلفه هنجارمندی حکمرانی اسلامی بیان شده است و هدف از آن تحقق حداکثری کارکردهای انتخابات است. به همین منظور نیز لازم است تمامی قوانین و مقررات مربوط به انتخاب‌کنندگان، انتخاب‌شوندگان و فرایند انتخابات بصورت شفاف و دقیق بیان گردد. تغییر دفعی قوانین و مقررات و ضعف ثبات در ساختار انتخاباتی کشور مشارکت سیاسی را با چالش مواجه می‌سازد.

بدین معنا که افراد، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و همچنین عامه مردم رغبتی برای مشارکت چه در سطح کاندیداتوری و چه در سطح رأی‌دهندگی در این صورت نخواهند داشت.

همانطور که در ابتدای این بخش نیز به آن اشاره شد، در کنار راهکارها اقتضائات و لوازم تحقق آن‌ها باید بررسی شود تا با نگاهی کاملاً واقعی این راهکارها تحقق یابد. از جمله اقتضائات و لوازم تحقق این راهکار انتخاب درست متصدیانی است که در سطوح مختلف مرتبط با انتخابات به نقش‌آفرینی می‌پردازند. به عنوان مثال دست‌اندرکاران اجرایی انتخابات و وزارت کشور باید از افرادی تشکیل شوند که نگاهی دقیق و ضابطه‌مند داشته و بتوانند انتخابات را در چارچوب چنین نگاهی برگزار کنند. از دیگر لوازم و اقتضائات تحقق این راهکار نیز می‌توان به اصلاح فرهنگ نظم‌گریزی در میان عامه مردم و مسئولان اشاره کرد که باعث می‌شود ضریب ضابطه‌مندی انتخابات افزایش یابد.

۴.۲.۲- ایجاد محدودیت‌های حداقلی برای مشارکت در انتخابات

مشارکت در انتخابات شامل دو بخش انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان می‌شود. مقصود از بخش انتخاب‌کنندگان مجموع کسانی هستند که برای تصدی مسئولیت کاندیدا شده و قصد دارند به مناصب مهم و کلان حکومتی راه یابند. مقصود از انتخاب‌کنندگان نیز افرادی هستند که شرایط رأی‌دهی داشته و می‌توانند به کاندیدای مورد نظر خود رأی دهند. اساساً انتخابات نباید به گونه‌ای باشد که محدودیت‌های فراوانی جهت کاندیداتوری یا رأی‌دهی وجود داشته باشد.

البته باید توجه کرد که این محور به معنای نبود ضابطه و تساهل در کاندیداتوری نیست، بلکه بدین معنا است که افراد شایسته جهت کاندیداتوری دچار محدودیت‌های اضافی نشده و بتوانند برای خدمت به مردم در سمت کاندیدا مورد توجه قرار گیرند. به همین جهت نیز لازم است محدودیت‌هایی حداقلی ایجاد شود تا افراد و جریان‌های بیشتری در این سازوکار به نقش‌آفرینی بپردازند. همچنین علاوه بر محدودیت‌های انتخاب-شوندگان، انتخاب‌کنندگان نیز باید حداقل‌هایی از محدودیت را داشته باشند تا بتوانند راحت‌تر در انتخابات شرکت کنند. هرگونه محدودیت اضافی در این فرایند انتخابات را با چالش مواجه می‌سازد و مانع از تحقق صحیح کارکردهای آن می‌شود.

نقش این راهکار در سطوح مختلفی از کارکردهای انتخابات خود را نمایان می‌سازد. به عنوان نمونه در تحقق هر چه بیشتر مردم‌سالاری دینی و نمایش قدرت و عظمت نظام سیاسی به صورت مستقیم اثر می‌گذارد

و محوریت مردم در تمامی تصمیمات را نیز تقویت می‌کند. این راهکار نیز مانند راهکار قبلی لوازم و اقتضائاتی دارد که به نظر می‌رسد مهم‌ترین آن را بتوان نهادینه کردن نگاه حداکثری به حضور مردم در میان متولیان امر انتخابات دانست. چالشی که شاید بر اثر نگاه خشک و قانونی برخی از دست‌اندرکاران این عرصه بر انتخابات سایه افکنده است.

۴.۲.۳- پیش‌بینی سازوکار واقعی پاسخگویی انتخاب‌شوندگان در دوران مسئولیت

آخرین راهکاری که در این بخش ارائه می‌شود، بر خلاف راهکارهای اخیر به تحقق دو کارکرد پاسخگویی انتخاب‌شوندگان و محوریت یافتن رضایت و خواسته مردم در تصمیمات به صورت مستقیم و حداکثری کمک می‌کند. البته دو کارکرد دیگر انتخابات را نیز تقویت می‌کند. مقصود از پیش‌بینی سازوکار واقعی پاسخگویی ایجاد و نهادینه کردن سازوکاری است که بتواند پاسخگویی انتخاب‌شوندگان را تضمین کند و تنها جنبه‌ای شعاری نداشته باشد.

به همین دلیل نیز باید از راه‌های مختلف این پاسخگویی محقق شود. البته ممکن است مکانیسم‌هایی در نظر گرفته شده باشد؛ اما کافی نیست و جنبه مردمی آن‌ها نیز ضعیف است. بر همین اساس نیز لازم است سازوکاری جهت توضیح مبنای تصمیمات اتخاذشده و رسیدگی به تخلفات احتمالی در این زمینه تعبیه شود و مسئولان درباره تصمیمات مهم و اساسی کشور به صورت رسمی و از راه‌های رسانه‌ای و غیر آن پاسخگو باشند.

از جمله اقتضائات و لوازم تحقق این راهکار مهم تحقق شفافیت در سیستم مدیریتی و حکمرانی است. لازمه پاسخگویی شفافیت است؛ زیرا تا زمانی که مردم از تصمیمات و عملکرد مسئولان مطلع نباشند نمی‌توانند درباره آن‌ها به چالش با مسئولان بپردازند و مسئولان نیز پاسخگو نخواهند بود. از دیگر مکانیسم‌های مهم در تحقق این راهکار وجود نهادی ذیل قوه قضائیه است که رسیدگی به تخلفات سطح حکمرانی را عهده‌دار باشد و بدون هیچگونه مسامحه با مسئولان متخلف برخورد کند.

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

انتخابات به عنوان مکانیسمی مهم جهت مشارکت سیاسی آحاد مردم یک جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر همین اساس نیز در این متن سعی شد به این مکانیسم در پرتو حکمرانی اسلامی پرداخته شود و جایگاه و کارکردهای آن معین گردد. البته به دلیل نگرش کاربردی که در این متن مورد توجه قرار گرفت تنها با رویکردی نظری موضوع انتخابات بررسی نگردید و راهکارهایی جهت تحقق صحیح آن نیز بیان شد.

باید توجه کرد که بسیاری از مفاهیم و موضوعاتی که در حکمرانی اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرند تنها مفاهیمی ذهنی بوده و لازم است برای عینیت آن‌ها تلاشی درخور صورت گیرد. مفاهیمی مانند مردم‌سالاری دینی، حاکمیت الهی، هنجارمندی، عدالت، پاسخگویی و مشروعیت همگی مفاهیم و موضوعاتی هستند که باید مکانیسم‌هایی جهت تحقق آن‌ها تعبیه شود. به نظر می‌رسد این نوع نگاه به حکمرانی اسلامی که از این مفاهیم و موضوعات شروع می‌کند و در نهایت به راهکارها و لوازم تحقق آن‌ها می‌رسد نگاهی پیش‌برنده و مفید باشد.

در این نوشتار سعی بر این بود که به صورت مختصر و البته دقیق به کارکردهای مهم انتخابات اشاره شود و در نهایت نیز تحقق این کارکردها با ارائه راهکارهایی عملیاتی مورد توجه قرار گیرد. به نظر می‌رسد زمانی که تمامی این کارکردها و راهکارها در کنار هم تحلیل شوند و بتوان آن‌ها را در یک سیستم منسجم حکمرانی محقق کرد نتیجه مطلوب حاصل می‌شود. نکته حائز اهمیت در این نوشتار چارچوبی است که برای تحلیل انتخابات مورد توجه قرار گرفته است و آن چارچوب کارکردگرایی است.

در این چارچوب سعی می‌شود انتخابات نه به عنوان موضوعی مستقل، بلکه به عنوان موضوعی که در سیستم حکمرانی اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد مورد توجه قرار گیرد. بر همین اساس نیز کارکردها و آثاری که انتخابات در ثبات این سیستم ایفا می‌کند مورد توجه قرار می‌گیرد. در نهایت نیز راهکارهایی که بتواند این کارکردها را با تضمین ثبات سیستم حکمرانی اسلامی محقق کند مورد توجه قرار می‌گیرد. در پایان لازم است به این نکته نیز اشاره شود که این نوشتار سعی در ارائه بخشی از مهم‌ترین کارکردها و راهکارها پیرامون انتخابات در پرتو حکمرانی داشته است و در این مسیر منابع مهمی را بکار گرفته است.

۶- مراجع

[۱] بور، مارک (۱۳۹۷). حکمرانی؛ مقدمه‌ای بسیار کوتاه، ترجمه عرفان مصلح و زهره کریم‌میان، تهران: نشر کرگدن.

[۲] گیدنز، آنتونی (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی، ترجمه هوشنگ نائی، تهران: نشر نی.

[۳] هیوود، اندرو (۱۳۸۹). سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی.

[۴] نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۹). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: انتشارات سمت.

[۵] قادری، حاتم (۱۳۷۸). اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران: انتشارات سمت.

[۶] امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)، مجموعه بیانات (سخنرانی در خطبه‌های نماز جمعه تهران مورخ

۱۳۶۲/۰۵/۱۴، قابل دسترسی در: www.khamenei.ir

[۷] عابدی جعفری، حسن و دیگران (۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد

برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۹۸-۱۵۱.

[۸] امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)، مجموعه بیانات (سخنرانی در جمع مردم چالوس و نوشهر

۱۳۸۸/۰۷/۱۵، قابل دسترسی در: www.khamenei.ir

[۹] جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). ولایت فقیه؛ ولایت فقاها و عدالت، قم: مرکز نشر اسراء.

[۱۰] خمینی، روح‌الله (۱۳۷۳). ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

[۱۱] ربیع‌زاده، علی (۱۳۹۶). حقوق عمومی؛ دانش نظام‌ساز، تهران: انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه

امام صادق (ع).

[۱۲] صدر، سید محمد باقر (۱۳۹۳ الف). اسلام راهبر زندگی، ترجمه مهدی زندیه، قم: دارالصدر.

[۱۳] صدر، سید محمد باقر (۱۳۹۳ ب). بارقه‌ها، ترجمه سید امید مؤذنی، قم: انتشارات دارالصدر.

[۱۴] عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳). بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.

[۱۵] قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۹). سیاست‌شناسی؛ مبانی علم سیاست، تهران: انتشارات سمت.

- [16]. Parry, G, Moyser, G and Day, N. (1992), political participation and democracy in Britain, Cambridge: Cambridge university press.
- [17]. Nnoli, Okwadiba. (1990), Introduction to politics, Essex: Longman Group Ltd.
- [18]. Bellamy, Richard. (2005), the Rule of Law and the Separation of Powers, Wiltshire: Dartmouth Publishing Company.
- [19]. Wilson, Woodrow. (1887), The Study of Administration, Political Science Quarterly, No. 2, Jun of 1887, pp. 197-222.
- [20]. Goodnow, Frank Johnson. (1900), Politics and Administration, London: Macmillan.
- [21]. Boyatzis, R. E. (1998), Transforming qualitative information: thematic analysis and code development, Sage.
- [22]. Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.